



قمر در عقرب

عباس ماهیار^۱

چکیده

قمر در عقرب در میان عامه مردم از شوربختی و اقبال بد حکایت می‌کند. حتی گاهی برخی تحصیل کردگان و طبقات متوسط جامعه از آن با دغدغه خاطر یاد می‌کنند و آن را نمادی از تنگنای ایام محسوب می‌دارند.

پاره ای از آثار مکتوب درباره نجوم و احکام نجوم نیز حضور قمر در عقرب را نافرخی می‌پندارند و به خواننده خود اجازه مسافرت نمی‌دهند. و گاهی بعضی شاعران از این امر تصویرهای دلنشین می‌سازند.

این مقاله برآن است که چندی و چونی حضور سیاره قمر در برج عقرب را با تکیه به آگاهی‌های نجومی و احکام نجومی^(۲) مورد بررسی قرار دهد و عرضه کند.

واژگان کلیدی

علم نجوم، فن احکام نجوم، قمر و منازل آن، برج عقرب، سفر کردن

۱- استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

۲- منجمان علم نجوم را بر دو بخش علم نجوم و علم احکام نجوم تقسیم کرده‌اند و دانش احکام نجوم را چنین تعریف کرده‌اند: علم یا فن احکام نجوم دانش آشنایی با کیفیت استدلال از گردش افلاک و مطالع بروج و حرکت ستارگان است به آنچه در زیر فلک قمر یعنی عالم کون و فساد پیدا خواهد شد پیش از پیدا شدن آن. رسائل اخوان الصفا، ج ۱، ص ۱۱۴ و مقدمه ابن خلدون ۱۰۹۸.



درآمد

قمر در مدت یک ماه نجومی که بر بیست و هفت روز و نیم بالغ می شود^(۱) حرکت خود در مدارش را به دور زمین به پایان می برد. اما منجمان قدیم بر این باور بودند که قمر همراه با شش سیاره دیگر در هفت فلک جای دارند و به دور زمین می چرخند زمین در وسط این افلاک ساکن و بی حرکت است.

منجمان مدار قمر را بر بیست و هشت قسمت تقسیم می کنند و هر قسمت را یک منزل می گویند^(۲) این منازل از منظر ناظر زمینی در منطقه البروج^(۳) و سه صورت فلکی از صورت های فلکی جنوبی و شمالی دیده می شوند^(۴) و به اختصار عبارتند از:

منزل یکم و دوم (شرطین و بطین) پنج ستاره از صورت فلکی حمل جایگاه این دو منزل است.

منزل سوم و چهارم (ثریا و دبران) هفت ستاره از صورت فلکی ثور محل منزل سوم و چهارم است.

منزل پنجم (هقعه) سه ستاره از ستارگان صورت فلکی جبار از صورت های فلکی جنوبی محل این منزل است.

منزل ششم و هفتم (هنعه و ذراع) چهار ستاره از صورت فلکی دو پیکر یا جوزا جای این دو منزل است.

منزل هشتم (نثره) سه ستاره از برج سرطان جایگاه این منزل است.

۱- ر.ک. تاریخ نجوم اسلامی. ص ۱۴۳



۲- ر.ک. ترجمه آثار الباقیه. ص ۴۸۲ و ۴۸۳. و یواقیت العلوم ودراری
النجوم ص ۲۳۷

۳- منطقه البروج: کمر بند فرضی بزرگی است در دوطرف استوای فلکی
که بر وسط کره آسمان جای دارد. ستاره شناسان آن را بر دوازده قسمت
مساوی تقسیم کرده و هر قسمت را برج می نامیده اند. ستارگان هر
برجی صورتی تصویری را تشکیل می دهند و هر برجی به نام آن صورت
خوانده می شود آغاز تقسیم را از آغاز بهار در خلاف جهت حرکت
عقربه های ساعت مقرر داشته اند و اسامی این برج ها به شرح زیر است:
حمل و ثور و جوزا و سرطان و اسد و سنبله و میزان و عقرب و قوس و
جدی و دلو و حوت. ر.ک: ثری تا ثریا، ص ۶۰.

۴- ر.ک. ثری تا ثریا، ص ۱۵۲

منازل نهم تا دوازدهم (طرفه و جبهه و زیره و صرفه) نه ستاره از ستارگان
برج اسد محل این چهار منزل است.

منزل سیزدهم تا پانزدهم (عوا و سماک اعزل و غفر) نه ستاره از ستارگان
برج سنبله جایگاه این سه منزل است.

منزل شانزدهم (زبانا) دو ستاره از دو کفّه میزان محل منزل قمر است.

منازل هفدهم و هجدهم و نوزدهم (اکلیل و قلب و شوله) شش ستاره از
برج عقرب جایگاه حرکت قمر در سه روز است.

منزل بیستم (نعایم) نه ستاره از ستارگان برج قوس منزل بیستم قمر است.

منزل بیست و یکم (بلده) فاصله میان (نعایم و سعد ذابح) است که در آن
ستاره ای نیست.



منزل بیست و دوم (سعد ذابح) دو ستاره در برج جدی محل منزل قمر است.

منزل بیست و سوم و بیست و چهارم و بیست و پنجم (سعد بلع و سعد السعود و سد الاخیه) هشت ستاره از ستارگان برج دلو جایگاه منزل قمر در مدت حدود سه روز است.

منزل بیست و ششم و بیست و هفتم (فرغ مقدم و فرغ مؤخر) چهار ستاره در صورت فلکی فرس اعظم جایگاه قمر در حدود دو روز است.

منزل بیست و هشتم (رشا) ستاره نورانی صورت فلکی (امرأه المسلسه)^(۱)

۱- ر.ک. ثریا تا ثری ص ۱۵۲

سه منزل اخیر که در صورت فلکی فرس اعظم و (امرأه المسلسه) جای دارند از صورت های فلکی شمالی اند. به این ترتیب ملاحظه می شود که قمر از روز هفدهم ماه قمری به برج عقرب در نطقه البروج در می آید و در حدود سه روز منازل (اکلیل و قلب و شوله) را طی می کند.

آنچه مایه تاسف است این است که اختر شماران به تأثیر سیارات و ثوابت و برج های در سرنوشت آدمیان چنان دل بسته بوده اند که هیچ کس از تأثیر سعادت و منحست آن ها در امان نبود. تا جایی که هم اکنون نیز ذهن و ضمیر بسیاری از مردم از این آلودگی ها پاک نشده است و با اندک تأمل و بررسی متوجه می شویم که بعضی ها به سبب انتساب روز شنبه به زحل که نحس اکبر شمرده می شود در چنین روزی



ندانسته و از روی انتقال عادت عوام مردم از مراجعه به طیبیت سر باز می‌زنند که وقت مناسب برای مراجعه به پزشک نیست.

به نظر مولف فرخ نامه جمالی چنین رسیده بود که: (بباید دانست که هر برجی از این بروج دوازده گانه کاری را شاید. خصوصاً چون قمر در آن باشد که طالع آن وقت باشد)^(۱). مناسب بودن و یا نبودن وقت برای گرمابه رفتن، جامه نو پریدن، نامه نوشتن، چوگان زدن، بنا نهادن، زمین خریدن، جوی و کاریز کنندن، درخت نشانندن، تخم کشتن، شیردادن و از شیر باز گرفتن، رنگ زدن، حمامت کردن، برده خریدن، زن گرفتن، به جنگ رفتن، سلاح خریدن و ده ها کار دیگر. صفحات چندی از زهدت نامه علائی را پر کرده و روا بودن یا نبودن انجام دادن کار مشروحاً باز نموده شده است. ملا مظفر گنابادی دو بیت زیر را به خواجه نصیر طوسی نسبت داده و گفته است اگر اختیار وقت برای امری ضروری باشد به موارد زیر توجه شود^(۲):

اختیار هر چه خواهی هفت چیز آور به جای تا بود کار تو نیکو وین همی دان مفترض

حال مه مسعود باشد حال برج و صاحبش حال طالع، صاحبش، بیت الغرض، صاحب غرض^(۳)

۱- فرخ نامه ابوبکر مطهر جمالی ص ۲۴۰

۲- شرح بیت باب ملا مظفر گنابادی باب بیستم بدون صفحه کتاب

۳- برای توضیح این دو بیت ر.ک. نجوم قدیم و بازتاب آن در ادب فارسی صص ۵۲۴-۵۲۶



مؤلف فرخ نامه نیز گفته است: (سفر اگر درنگی نمی خواهد باید در برج های منقلبه اقدام کند)^(۲) و همچنین گفته است: (سفر کردن در عقرب و اسد مکروه است خصوصا در عقرب نهی است)^(۳).

صورت مساله ماسه جز دارد: سفر کردن، سیاره قمر و برج عقرب. با توجه به نوشته های یاد شده در بالا می توان به این نتیجه رسید:

۱. از سفر کردن به هنگامی که خانه طالع در برج عقرب باشد نهی شده است.

۲. زمان موافق برای سفر کردن برج های منقلب است.

۳. به هنگام سفر کردن صالح الحال بودن طالع^(۳) و خداوندش باید منظور شود.

۴. بهتر آن است که قمر در برج طالع باشد.

۵. در وقت سفر کردن قمر باید از نحوس خاصه مریخ دور باشد^(۴).

۱- منجمان احکامی برج های حمل ، سرطان و میزان و جدی را برج های منقلب می گفتند. نجوم قدیم و بازتاب آن در ادب فارسی ص ۱۳۱ و نیز التفهیم صص ۳۵۲-۳۵۳ و مدخل الی علم احکام نجوم ص ۲۳

۲- فرخ نامه جلالی ص ۲۵۵



۳- طالع و بیوت طالع: طالع آن قسمت از منطقه البروج است که در وقت معینی (مثلاً در هنگامی که قصد مسافرتی در پیش است) در افق شرقی در حال طلوع باشد. برج را برج طالع و درجه آن را درجه طالع گویند. التفهیم ص ۲۰۵.

۴- سعد و نحس سیارات: اختر شناسان برای سیارات هفت گانه طبیعت های گرم و خشک به افراط و سرد و خشک به افراط و گرم و تر به اعتدال و سرد و تر به اعتدال قایل بودند و می گفتند: زحل طبیعت سرد و خشک مفرط دارد و آن را نحس اکبر می خواندند و مشتری طبیعت گرم و تر معتدل دارد و آن را سعد اکبر می گفتند و مریخ طبیعت گرم و خشک مفرط دارد و آن را نحس اصغر می نامیدند و زهره طبیعت سرد و تر معتدل دارد و آن را سعد اصغر می پنداشتند و در باب سعادت و یا نحوست شمس می گفتند: شمس از دور سعد است و از نزدیک نحس و عطارد را خنثی تصور می کردند و بر این باور بودند که عطارد با صعود سعد است و با نحوس نحس و قمر را در ذات خود سعد می انگاشتند اما چون سبک رو ترین سیارات است به دلیل سرعت حرکت تحت تاثیر سیارات دیگر واقع می شود. ک: ثری تا ثریا ، ص ۱۷۹.

حال بینیم وقتی که قمر در طی مدار خود به برج عقرب در می آید چرا مسافرت جایز نیست:

اولاً بنا به گفته منجمان و بعضی عالمان سفر کردن در هنگامی که طالع وقت برج عقرب است جایز نیست.

ثانیاً عقرب از برج های ثابت است^(۱) و سفر کردن در برج های منقلب مناسب تر است.



ثالثاً در استخراج طالع بنا بر این است طالع برج عقرب باشد و طالع باید از نحوس دور باشد در حالی که بر پیشانی طالع مهر منحست زده شده است و طالع خود منحوس است.

رابعاً خداوند طالع که مریخ است از نظر احکامیان نحس اصغر است^(۲).

بحث در باقی مانده مسائل مطروحه نیازمند مراجعه به زیج‌ها و تقویم‌ها است که دسترسی به آن‌ها اگر چه غیر ممکن نیست اما آسان هم نیست. نتیجه این است که در ایامی که قمر در عقرب باشد باید از سفر کردن پرهیز کرد.

اما شاعران درباره حضور قمر در برج عقرب از لطایفی بهره برده اند و ظرایفی به کار بسته اند که نحوست برج عقرب و صالح الحال نبودن کوکب طالع را از ذهن و خاطر خواننده زدوده اند.

خاقانی در مدعی مثلی از آن بهره گرفته و گفته است:

تا خط نو دمیدش نگریم از غم او کآن گه سفر نشاید چون مه به عقرب آید
خاقانی (دیوان: ۶۱۵)

۱- برج‌های ثور و اسد و عقرب دلو را برج‌های ثابت گویند. ثری تا ثریا ص ۱۶۳ و نجوم قدیم ص ۴۷۳

۲- ر.ک. نجوم قدیم و بازتاب آن در ادب فارسی ص ۶۰۰

و یا ماه را به کلیچه سیمین تشبیه کرده است که عقرب شایانی محک زدن آن را ندارد:

قرصه مه کلیچه سیم است عقربش صیرفی نمی شاید



(دیوان: ۸۷۹)

خواجسوی کرمانی رخساره محبوب را به ماه و زلف او را به عقرب مانند کرده و چند تصویر زیبا خلق کرده است.

بین زلف و رخسار چون می روی ماه
از آن ترسم که در عقرب بود ماه
(مثنوی گل و نوروز: ۶۷۸)

هنوزت ماه در عقرب مقیم است
هنوزت عقرب اندر اضطراب است
(دیوان: ۱۹۸)

بگشای عقده شب بنمای مه ز عقرب
که شد از نفیر خواجو گذر شهاب بسته
(دیوان: ۳۲۶)

به سنبل سرو سیمین در سلاسل
چو مه در برج عقرب کرده منزل
(مثنوی گل و نوروز: ۶۶۰)

چو زلف آتشین رویان مهوش
فتاده عقرب از مهرش بر آتش
(مثنوی گل و نوروز: ۴۷۳)



فهرست منابع و مآخذ

بیرونی ، ابوریحان محمد بن احمد (۱۳۵۲)، آثار الباقیه ، ترجمه علی اکبر دانا سرشت ، ابن سینا.

_____ (بی تا)، التفهیم لاولئل صناعه التّجیم ، به اهتمام جلال الدین همایی ، انجمن آثار ملی ، بدون تاریخ چاپ.

جمالی یزدی، ابوبکر مطهر (۱۳۶۸)، فرخ نامه جمالی ، به اهتمام ایرج افشار، امیر کبیر.

خاقانی ، افضل الدین بدیل (۱۳۶۸)، دیوان خاقانی ، به اهتمام ضیاء الدین سجادی ، تهران: زوار، چاپ سوم.

خواجوی کرمانی (۱۳۶۹)، دیوان اشعار، به اهتمام احمد سهیلی خوانساری ، تهران: پازنگ.

_____ (۱۳۷۰)، خمسه خواجوی کرمانی، به اهتمام سعید نیاز کرمانی ، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۷۰.

شهمردان بن ابی الخیر ، زهت نامه علایی، به اهتمام دکتر فرهنگ جهانپور ، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ، تهران ، ۱۳۶۲.

قمی، ابو نصر حسن بن علی (۱۳۷۵)، المدخل الی علم احکام النجوم از مترجمی ناشناخته، به اهتمام جلیل اخوان زنجانی ، میراث مکتوب، ۱۳۷۵.

گنابادی، ملامظفر (۱۲۹۸)، شرح بیست باب ملا عبدالعلی بیرجندی، چاپ سنگی ، قم: بدون صفحه کتاب.

ماهیار، عباس (۱۳۹۳)، نجوم قدیم و بازتاب آن در ادب فارسی، روزنامه اطلاعات.



ماهیار ، عباس (۱۳۸۲)، شرح مشکلات خاقانی، دفتر یکم، ثری تا ثریا ، جام گل، کرج.
نالینو، کارلو آلفونسو (۱۳۴۹)، تاریخ نجوم اسلامی ، ترجمه احمد آرام، کانون نشر پژوهش
های اسلامی.

ناشناخته (۱۳۴۵)، یواقیت العلوم و دراری النجوم، به اهتمام محمد تقی دانش پژوه، بنیاد
فرهنگ ایران.